

به نام خدا

گاستان جوانمرد قصاب



کتابخانه

نشر شهر - تهران ۱۳۸۹

سرشناسه: دهمانی، نیما، ۱۳۶۵
عنوان و نام‌پدیدآورنده: گلستان جوانمرد قصاب/ نیما دهمانی
مشخصات نشر: تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۴۸ ص:؛ مصورانه؛
فروست: کتاب مترو؛ ۵۱
شابک: ۹۷۸ ۹۶۴ ۲۳۸ ۲۲۹ ۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
موضوع: طنز فارسی. قرن ۱۴
موضوع: کاریکاتورها و کارتونها ایران
موضوع: ایران زندگی فرهنگی قرن ۱۴ لطیفه، صبور و طنز
موضوع: موفقیت در کسب و کار کاریکاتورها و کارتونها
شناسه افزوده: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مؤسسه نشر شهر.
رده بندی کنگره: ۸۰۱۳۸۸.۵۵۷۷۵۵ PIR
رده بندی دیویی: ۸۱۵/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۵۲۰۲۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



مؤسسه نشر شهر
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نشانی معاونت فرهنگی: تهران، میدان سیلان، خیابان شهید قدوسی، خیابان آقابیک، کوچه سپند، پلاک ۴، معاونت فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، طبقه ۴، اداره امور کتابخانه‌ها
تلفن: ۸۸۴۷۳۱۵۰-۸۸۴۷۳۱۳۹

کتاب مترو ۵۱ گلستان جوانمرد قصاب

نویسنده: نیما دهمانی
تصویرگر: روزبه سخاومندی
ناشر: مؤسسه نشر شهر

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
چاپ اول: ۱۳۸۹

**این کتاب در شمارگان هفت هزار نسخه توسط مؤسسه نشر شهر
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.
 شابک:** ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۸-۲۲۹-۳

بها: ۳۰۰۰ ریال
© همه حقوق محفوظ است.

Printed in Iran.

نشانی ناشر: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید گل نیی، خیابان شهید ناطق نوری (زمره)، شماره ۵۶، بوستان کتاب، واحد ۱۲، مؤسسه نشر شهر
تلفن: ۲۲۸۴۳۳۷۸-۲۲۸۵۸۴۷۴ نمابر: ۲۲۸۵۶۱۱۸ فروشگاه مرکزی: ۲۲۸۷۳۱۷۳
www.shahrpress.ir E-mail: info@shahrpress.ir

مقدمه:

... و آن هنگام که جوانمرد قصاب به دکان قصابی اش در آمد، شاگردش پرسید: اوستا کجا بودی؟ اوستا گفت به تو چه؟ در راه! شاگرد گفت: چه بگویم که دیر آمدی اوستا و گوشت‌ها فاسد شد و نیمی از مردم شهر مسموم.

اوستا گفت: خاک به سرم، از دست این ترافیک ... شاگرد قصاب پرسید: چرا با مترو نیامدی اوستا؟ اوستای قصاب که از قضا جوانمرد هم بود، دستی به ریشش کشید و گفت: از فردا ...

اوستای قصاب به جای آن که درس مراقبت از گوشت به شاگرد دهد، از فردا با مترو آمد و شد کردی و دیگر دیر نرسیدی و هیچ گوشتی فاسد نشدی و چنین شد که وی بر آن شدی تا منظومه منثورهای ترتیب دادی در هفت باب، تا همگان از فواید و قواعد متروسواری آگه گردند که نه گوشتی فاسد شود نه بنی بشری مسموم!

این مترو که چون کرم خجل گوشه‌نشین است ماری است که ما فوق زمان زیرزمین است
ما را برساند به هر آنجا که بخواهیم چون باد سریعی است که از جانب چین است *

۵ بادهای چین را بادهایی پر قدرت و سرعت ذکر کرده‌اند که کشتی‌های یونانی برای عبور و مرورشان به شدت روی آن حساب می‌کرده‌اند! باور نمی‌کنید؟ خب مجبور بوده‌اند خب!

دیپایه:

مَنْتَ قطار را زیر زمینی که سوار شدنش موجب سرعت است و جا ماندنش مزید حسرت که در سوار شدنش دو لذت است پنهان که یک رسیدن است و دو خنکاش در تابستان و در هر لذت دو چیز مستتر (البت با ارفاق) که اولی از گلویت در آورد و دُیْمی از دماغ. اول فشار باشد به گاه سوار شدن به حد کمال و دُیْم فشار باشد به گاه وصال و نیز شنیدن دیالوگ آقا نزن!... آخ مادر!...و...
که هر چه باشد بر وجودش شکری است واجب، همین و بس که یُسُوْقُ... المسئولین بتکمیلِ
خُطوطِها، زودتر.